



امکان سنجی بافروشی در حقوق ایران در مقایسه با کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

سیده مریم اسدی نژاد^۱

چکیده

بعد از عقد بیع اگر مبیع نزد بایع باقی بماند نه تنها بایع باید از مبیع حفاظت نماید بلکه ضمان معاوضی برعهده او بوده درحالیکه مبیع و منافع و نمائات آن متعلق به مشتری است. علاوه براین هزینه‌های نگه داری مبیع از زمان انعقاد عقد تا زمان تحویل و یا تلف بر عهده شخص بایع خواهد بود و این امر موجب عدم تعادل رابطه قراردادی بین بایع و مشتری می‌گردد. در پاسخ به این سوال چه راهکاری برای جلوگیری از ورود خسارات در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و در حقوق ایران وجود دارد؟ باید گفت یکی از راهکارهای غیر قضایی و متعارف برای ایجاد این امنیت اقتصادی و برای جلوگیری از هر گونه خسارت احتمالی سیستم بافروشی است که دربرخی از مقررات بین‌المللی از جمله کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ذکر شده است. براساس مقررات کنوانسیون امکان بافروشی بدون انحلال وجود داشته و در مقررات ما چنین امری به صورت شفاف ذکر نشده بلکه برعکس برای بافروشی ابتدا عقد باید منحل گردد سپس بافروشی و یا امکان انتقال آن خواهد بود با این حال می‌توان گفت همزمان با فروش مبیع به دیگری انحلال نیز محقق است.

کلیدواژه: بافروشی، انحلال، ضمان معاوضی، اختیار تاخیر ثمن

۱- مقدمه

اگر همه ارکان و شرایط صحت عقد بیع موجود باشد در اینصورت ماهیت عقد بیع طبق ماده ۳۳۸ ق. م ب وجود می‌آید و آن عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم. بنابراین در

اثر عقد بیع وبدون تسلیم مبیع و ثمن، مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌گردد. با این حال ممکن است مشتری نخواهد و یا نتواند مبیع را قبض نماید و یا طرفین در حال استفاده از حق حبس خود هستند در همه این حالات اگر مبیع نزد بایع باقی بماند نه تنها بایع باید از مبیع حفاظت نماید بلکه ضمان معاوضی برعهده او بوده درحالیکه مبیع و منافع و نمائات آن متعلق به مشتری است(محقق داماد، ۱۳۹۴: ۱۸۰). به طوری که اگر مبیع در اثر آفات سماوی تلف شود در این صورت نه تنها بایع حق گرفتن ثمن را ندارد بلکه اگر ثمن راهم دریافت کرده باید عودت دهد. علاوه براین هزینه‌های نگه داری مبیع از زمان انعقاد عقد تا زمان تحویل و یا تلف بر عهده شخص بایع خواهد بود و این امر موجب عدم تعادل رابطه قراردادی بین بایع و مشتری می‌گردد و در واقع ضرری است بلاجهت که براساس قاعده لاضرر باید دفع شده و یا حرجی است که جلوی آن گرفته شود. هر چند قانون گذار ما در عقد بیعی که نقدی بوده و مبیع عین معین و یا در حکم آن بوده باشد و چنانچه نه تمام مبیع و نه تمام ثمن تسلیم نشده باشد بعد از سه روز از زمان انعقاد عقد بیع برای بایع خیار تاخیر ثمن وجود دارد. با این حال استفاده از این راهکار محدودیت‌های خاص خود را دارد و نمی‌تواند در همه شرایط موجب ایجاد تعادل اقتصادی برای طرفین نماید. لذا یکی از راهکارهای غیر قضایی و متعارف برای ایجاد این امنیت اقتصادی و برای جلوگیری از هر گونه خسارت احتمالی سیستم بافروشی است که دربرخی از مقررات بین‌المللی از جمله کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ذکر شده است لذا سوال این است که شرایط بافروشی در کنوانسیون چگونه بوده و آیا در حقوق ایران نهادی مشابه آن وجود دارد؟

قبل از هر چیز لازم است مفهوم بافروشی به طور کلی مفهوم آن و شرایط تحقق بافروشی در کنوانسیون بیع بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته و سپس امکان آن در حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۲- مفهوم بافروشی: (Resale of Goods)

متاسفانه اصطلاح بافروشی در ترمینولوژی حقوق ما وجود ندارد، در حالیکه فقه و حقوق ما از این مفهوم فاصله نگرفته است. با این حال خواهیم دید که فقه و حقوق با چنین مفهومی بیگانه نیست. اصطلاح بافروشی در ماده ۷۵ کنوانسیون ذکر شده است و آن در صورتی است که پس از قرارداد، فروشنده نسبت به فروش مجدد مبیع به خریدار و یا به هر شخص دیگری اقدام کند، بنابراین منظور از بافروشی یعنی فروش مجدد به شخصی. ماده ۷۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد: چنانچه قرارداد فسخ شود(یا باطل شده باشد) و اگر به طریق معقول و ظرف مدت معقولی پس از فسخ خریدار کالای جایگزین خریداری نموده باشد یا فروشنده کالا را بافروشی کند طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند تفاوت بین قیمت

قرارداد و معامله جایگزین را به علاوه خسارت قابل مطالبه طبق ماده ۷۴ را وصول نماید.

امکان بازفروشی در ماده ۸۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا چنین ذکر شده:

۱) طرفی که مطابق ماده ۸۵ یا ۸۶ ملزم به حفظ کالا است می‌تواند در صورت تاخیر نامتعارف طرف مقابل در تصرف گرفتن کالا یا استرداد آن یا پرداخت ثمن یا هزینه‌های محافظت، کالا را به طرق مقتضی بفروشد مشروط بر اینکه اخطار معقولی را از قصد خود مبنی بر فروش کالا به طرف دیگر ارسال نموده باشد.

۲) چنانچه کالا در معرض فساد سریع باشد یا حفظ آن مستلزم هزینه نامعقول باشد طرفی که طبق ماده ۸۵ یا ۸۶ ملزم به حفظ کالا است باید اقدامات معقول را در جهت فروش آن انجام دهند، تا حد ممکن او باید اخطاری را از قصد خود به فروش به طرف دیگر ارسال نماید.

۳) طرفی که کالا را به فروش می‌رساند حق دارد تا از عایدی فروش مبلغی معادل با هزینه‌های معقول حفاظت کالا و فروش آن را برای خود نگه دارد. او باید حساب باقیمانده آن را به طرف مقابل بدهد.

با توجه به مواد ۷۵ و ۸۸ بازفروشی به دو صورت انجام می‌گیرد:

۱- بازفروشی بعد از فسخ و انحلال و یا بطلان عقد: فسخ به علت نقض قرارداد موجب پایان دادن به هستی قرارداد بوده و اثر آن در حقوق ما انحلال قرارداد (اعم از قرارداد آنی و یا مستمر) از زمان فسخ است و براساس مقررات کنوانسیون موجب ابطال قرارداد است در نتیجه به مالکیت مشتری نسبت پایان می‌دهد. در ماده ۷۵ کنوانسیون بازفروشی را بعد از انحلال عقد مطرح کرده است و چنانچه خساراتی به فروشنده وارد شده می‌تواند از خریدار که مسبب آن است مطالبه کند. مبنای این بازفروشی در واقع مالکیت فروشنده است که در اثر انحلال قرارداد برای او به وجود آمده است. بازگشت مبیع به مالکیت فروشنده از این طریق و فروش مجدد کالا و اخذ خسارت در حقوق ما قابل تطبیق است و چنین بازفروشی منع قانونی ندارد.

۲- بازفروشی بدون فسخ و انحلال عقد بیع اول

امکان فروش مجدد مبیع بدون انحلال و فسخ توسط بائع در ماده ۸۸ کنوانسیون تحت شرایطی ذکر شده است به طوریکه برای جلوگیری از ورود خسارت به بائع و حتی برای جلوگیری از ورود خسارت به مشتری امکان فروش مجدد مبیع توسط بائع را مطرح کرده است. طبق مقررات کنوانسیون بازفروشی در برخی موارد اختیاری و در برخی موارد الزامی است.

۱-۲- بازفروشی اختیاری توسط بائع و مشتری: در برخی موارد کنوانسیون این حق را برای شخص قائل شده تا بتواند مانع از خسارتی شود که در اثر عملکرد طرف مقابل که در

واقع نقض تعهدات محسوب می‌گردد ایجاد شده است.

مورد اول: طبق ماده ۵۳ کنوانسیون خریدار باید به نحوی که در قرارداد مقرر شده ثمن را پرداخت نموده و اگر خریدار به این تعهد خود عمل ننماید و از پرداخت ثمن به نحو غیر متعارف تاخیر نماید در این صورت فروشنده حق بازفروشی کالا را خواهد داشت. مورد دوم: چنانچه فروشنده اقدام به تسلیم کالا نموده باشد در این صورت خریدار متعهد است طبق ماده ۶۰ کنوانسیون کالا را قبض نماید در غیر این صورت اگر مشتری در قبض کالا به صورت غیر متعارف تاخیر کند با بیع حق بازفروشی کالا را خواهد داشت. مورد سوم: خریدار نه تنها مکلف به قبض کالا است بلکه باید زمینه را برای انجام این کار فراهم نموده تا با بیع بتواند کالا را تسلیم نماید. اگر خریدار تمهیدات لازم را در این جهت بعمل نیاورده و به تعهدات فوق عمل نکند در این صورت طبق ماده ۸۸ کنوانسیون حق بازفروشی برای بایع در نظر گرفته شده است. مورد چهارم: چنانچه بایع از حق حبس خود استفاده نموده و در نتیجه متحمل هزینه‌های نگه داری میباید شده است در این صورت حق بازفروشی کالا را خواهد داشت. در همه موارد فوق طبق مقررات کنوانسیون حق فروش کالا، بدون انحلال و بدون بازگشت مالکیت در اختیار بایع قرار داده شده است.

مورد پنجم: طبق ماده ۸۶ اگر خریدار بخواهد کالای دریافتی را رد نماید ولی فروشنده از پس گرفتن خودداری نماید و یا تاخیر نماید در این صورت خریدار حق بازفروشی را خواهد داشت. این بازفروشی برای خریدار در نظر گرفته شده و اختیاری است. مورد ششم: در صورتی که طبق ماده ۸۶ تعهد خریدار به نگهداری و حفاظت از کالا بوده و فروشنده از پرداخت هزینه‌های نگهداری خودداری کند، خریدار می‌تواند طبق ماده ۸۸ کنوانسیون بازفروشی نماید.

۲-۲- بازفروشی اجباری:

در برخی از موارد تحت شرایطی فروشنده و یا خریدار برای جلوگیری از ورود خسارت به طرف مقابل مکلف به بازفروشی هستند. ماده ۸۸ کنوانسیون با قید کلمه «باید» به شخصی که میباید در دست اوست مکلف کرده تا تمهیدات لازم را برای بازفروشی فراهم نماید.

(must take reasonable measures to sell them)

مورد اول: طبق ماده ۸۸ (بند دوم) اگر میباید از اموالی باشد که خیلی سریع فاسد می‌شود و یا تاریخ انقضای آن می‌گذرد در این صورت متصرف اعم از خریدار و فروشنده مکلف به بازفروشی آن هست.

مورد دوم: طبق ماده ۸۸ (بند دوم) چنانچه نگهداری کالا موجب هزینه‌های هنگفت و

نامتعارف است و به صرف و صلاح طرف مقابل نخواهد بود در اینصورت نیز متصرف، اعم از خریدار و یا فروشنده مکلف به بازفروشی کالا خواهد بود.

۲-۳- شرایط بازفروشی:

کنوانسیون برای جلوگیری از سوء استفاده شرایط خاصی را برای بازفروشی اعم از بازفروشی عادی و الزامی در نظر گرفته است که این شرایط طبق مقررات کنوانسیون عبارتند از:

۱- تاخیر غیر متعارف (unreasonable delay)

اگر خریدار تاخیر غیر متعارف در پرداخت ثمن نماید و یا اگر خریدار در پرداخت هزینه‌های حفظ کالا تاخیر غیر متعارف نماید در اینصورت بایع حق بازفروشی را خواهد داشت و در مواردی که نگهداری کالا موجب فساد آن و یا نگهداری کالا مستلزم هزینه گزاف می‌شود طرفین مکلف هستند. همان طور که ملاحظه می‌شود هر تاخیری سبب بازفروشی نیست بلکه تاخیر غیر متعارف و بیش از حد می‌تواند زمینه را برای بازفروشی فراهم نماید.

۲- ارسال و ابلاغ اخطار: یکی دیگر از شرایط ارسال و ابلاغ اخطاریه است تا شاید طرف مخاطب به تعهدات خود عمل نماید و یا به گونه خاصی بایکدیگر به توافق برسند. متصرف برای بازفروشی کالا قبل از هر چیز باید قصد خود را به صورت صحیح به طرف مقابل اعلام نماید. این اخطار می‌تواند شفاهاً و یا کتبی باشد. کنوانسیون شیوه خاصی را اعلام نکرده است. بدیهی است اخطاریه مذکور باید به گونه ای باشد که بعداً بتواند آن را اثبات نماید.

۳- فروش به شیوه مقتضی (appropriate means)

فروش به شیوه و روش مقتضی یعنی انعقاد عقد بیع به صورت صحیح و با در نظر گرفتن قانون قابل اعمال و یا قانونی که حاکم بر انعقاد عقد بیع است. بنابراین اگر متصرف در هر محلی که می‌خواهد اقدام به بازفروشی نماید باید قانون حاکم بر بیع را رعایت نماید. علاوه بر این بر اساس اوضاع و احوال خاص به شیوه فروش عمومی یا حراج و یا به صورت خاص معامله نماید.

خلاصه اینکه همان طور که ملاحظه می‌گردد بازفروشی طبق مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ممکن است بعد از فسخ و یا حتی قبل از فسخ عقد بوده باشد و هدف اصلی نیز جلوگیری از ورود خسارت است (schlechtriem, 1998: 680, 683). در مورد بازفروشی بعد از فسخ عقد منعی در حقوق ما مشاهده نمی‌شود اما اختلاف به قبل از فسخ بر می‌گردد. لذا بسیاری از حقوقدانان با استدلال‌های متفاوتی خواسته‌اند چنین بازفروشی را

از طریق مقایسه آن نهاد تقاص و یا حتی با خیار تاخیر ثمن و بر اساس دیدگاه آن دسته از فقها که موجب ابطال معامله از اول می‌شود مشکل را حل نمایند و ویا آن را با اداره مال فضولی مقایسه نمایند. چون اداره مال فضولی و همچنین فروش مال التجاره توسط متصدی حمل و نقل در مقررات ما ذکر با بافروشی مقایسه می‌گردد. ولی قبل از آن لازم است به طور خلاصه حقوق و تعهدات خریدار و بایع در صورت نقض قرارداد به طور خلاصه در حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم گردد که آیا امکان بافروشی به علت نقض قرارداد هست یا خیر؟

۳- حقوق متبایعین در صورت نقض قرارداد:

همان طور که گفته شد در اثر عقد بیع مبیع به تملیک مشتری در می‌آید هر چند مبیع و ثمن به قبض طرفین در نیامده و هر چند طرفین دارای خیار فسخ باشند هیچ چیز مانع نقل و انتقال نیست. بنابراین مقتضای عقد ایجاب می‌کند که مبیع و ثمن تسلیم شود. تسلیم هم حکم تکلیفی و هم حکم وضعی است باین حال در شرایط مساوی و تعادل طرفین می‌توانند از حق حبس خود استفاده کرده و تسلیم نکنند در حالت عادی بعد از انعقاد عقد مبیع و ثمن باید تسلیم شود. طبق ماده ۳۷۶: در صورت تاخیر در تسلیم مبیع یا ثمن ممتنع اجبار به تسلیم می‌شود. قدرت اجبار کنندگی قرارداد و فشاری که قرارداد ایجاد می‌کند به گونه ای است که براساس آن بایع، متعهد به تسلیم مبیع است. تسلیم مبیع بر اساس مقتضای عقد است. سوال این است که اگر متعهد به تعهد خود عمل نکند ذینفع چه حقی دارد:

۱- حق حبس: ماده ۳۷۷ ق.م.مقرر می‌دارد

بنابراین امکان حق حبس و گروکشی در مواردی که معامله نقدی بوده و هیچیک از طرفین قبلاً مورد معامله را تسلیم نکرده باشد. براساس حق حبس فروشنده می‌تواند برای مطالبه ثمن گروکشی نماید و این حق در مورد دریافت هزینه‌های نگهداری مال نیست.

۲- الزام و اجبار: در حقوق ایران اولین و ابتدایی وسیله برای احقاق حقوق متعهد له اجبار متعهد به انجام عین تعهد است (کاتوزیان ۱۳۶۸ ج ۳ ص ۲۲۶) اما اگر اجبار امکان پذیر نباشد در اینصورت امکان فسخ و یا انحلال قرارداد و همچنین مطالبه خسارت وجود خواهد داشت و ایندو در طول همدیگر هستند یعنی درجه اول اجبار و الزام است (نراقی ۱۳۷: ۱۴۱۷ و کرکی ۱۴۱۱: ۱۰۲/۵ و یزدی ۱۴۲: ۱۲۹/۲) هر چند برخی از فقها ایندو را در عرض هم می‌دانند (خویی ۱۳۶۶ ج ۷ ص ۳۹۶ و حسینی عاملی ۱۴۱۸ جلد ۲۸۱/۲)

۳- حق فسخ از جهت خیار تاخیر ثمن و خیار تفلیس بدون الزام و اجبار: اگر مشتری کل ثمن را پرداخت نکرده و هنوز تمام مبیع به قبض خریدار نرسیده است در اینصورت بعد از انقضای سه روز فروشنده می‌تواند به موجب خیار تاخیر ثمن بیع را فسخ نموده و مبیع را

به دیگری بفروشد (ماده ۴۰۲) علاوه بر این طبق ماده ۳۶۳ ق.م.ا.گ. قبل از تسلیم مبیع خریدار مفلس شود در اینصورت فروشنده می‌تواند آن را بر اساس خیار تفریط مطالبه کرده و سپس بفروشد.

اگر فروشنده آماده تحویل مبیع است خریدار نه تنها حق دارد مبیع را قبض کند ولی مکلف نیست حق خود را اعمال کند. اما ممکن است عدم قبض از طرف مشتری موجب ضرر به بایع شود چونکه ضمان معاوضی بر عهده بایع باقی می‌ماند لذا اگر مشتری از قبض مبیع خودداری کرد بایع برای جلوگیری از ضرر خودش باید به حاکم یا قائم مقام او رجوع نماید (ماده ۲۷۳ ق.م.)

بنابراین به نظر می‌رسد که خریدار تعهدی به قبض مبیع ندارد چونکه طبق ماده ۳۸۷ ق.م.ا.گ. اگر مشتری از قبض خودداری کرد بایع لازم نیست مبیع را حتماً به قبض او رساند و حتی به قبض حاکم رساند بلکه کافی است به حاکم مراجعه شود هر چند در رویه قضایی و حقوقدانان معتقدند که مبیع حتماً باید به قبض حاکم برسد. با این حال بسیاری از حقوقدانان قبض مبیع از طرف خریدار را تعهد ضمنی دانسته که می‌توان درخواست الزام او از طرف دادگاه نمود (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۰۵) نتیجه اینکه طبق مقررات ما با توجه به ماده ۲۱۹ ق.م.ا.گ. در صورت نقض قرارداد می‌بایست فشار حداکثری جهت اعمال قرار داد و اجرای آن بعمل آورد مگر اینکه اجرای قرارداد ممتنع شود و یا به علت قانونی عقد فسخ گردد. روشن است که اگر قرارداد به هر علتی منحل گردد در اینصورت بایع می‌تواند بازروشی نماید. بنابراین قبل از انحلال و یا فسخ، در حقوق ما برای بایع امکان بازروشی نیست. به همین دلیل بسیاری از حقوقدانان سعی کرده که بازروشی را با نهاد تقاص در فقه و یا اداره مال فضولی و یا متصدی حمل و نقل تطبیق و توجیه نمایند ولی تفاوت‌های اساسی میان آنها مانع از پذیرش بازروشی است. با این حال می‌توان گفت همزمان با فروش مبیع به دیگری انحلال نیز محقق است یعنی وقتی بایع مبیع را بازروشی می‌کند در واقع به طور ضمنی ابتدا عقد اول را فسخ نموده سپس بازروشی کرده است. یعنی بایع با تصرف خود به نوعی مبادرت به فسخ عقد می‌نماید. این مسئله در فقه بی سابقه نیست ولی در هر صورت لازم مقررات ما در این زمینه شفاف گردد تا موجب دردسر برای فروشنده نشود. بازروشی در اینگونه موارد در واقع راهکاری برای خروج از بن بست است (Honold, 1999: 238; Schwenzer and Fountoulkis, 2007: 60)

۳-۱- اداره مال فضولی و بازروشی

ماده ۳۰۶ ق.م.ا.گ. در این خصوص مقرر می‌دارد: اگر کسی اموال غائب یا محجور و امثال آنها را

بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند باید حساب زمان تصدی خود را بدهد، در صورتیکه تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تاخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت. ولی اگر عدم دخالت یا تاخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است.

در مجموع نهاد اداره مال فضولی مال غیر به ویژه فروش مال غائب مثل فروش کالای فاسدشدنی مانند بازفروشی اجباری است و به طور کلی فروش اموال فاسدشدنی را حقوقدانان نوعی ادره مال او و مشمول ماده ۳۰۶ ق.م دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸۱) ولی بهر حال فروش مبیع توسط بایع به عنوان بازفروشی در مورد کالای فاسد شدنی اجباری است ولی اداره فضولی مال غیر اختیاری است (صفایی و دیگران ۱۳۸۶ ص ۴۲۶) علاوه بر این مبنای بازفروشی قرارداد است در حالیکه مبنای اداره مال فضولی قرارداد نیست (اصغری ۱۳۸۹: ۲۰۲) با این حال پذیرش بازفروشی در حقوق ایران با وجود مقرراتی مثل ماده ۳۰۶ دور از ذهن است قانون گذار با وضع مقررات مشابه آن را در حقوق ایران نهادینه نماید.

۳-۲- بازفروشی و حق فروش کالا توسط متصدی حمل و نقل

ماده ۳۸۴ ق تجارت نیز در خصوص حق متصدی حمل و نقل کالا جهت دریافت مطالبات مقررره ای مشابه بازفروشی وضع کرده است.

اگر مرسل الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تادیه نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد متصدی حمل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود به طور امانت نگه داشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر صورت مخارج و هر نقص و عیب به عهده ارسال کننده خواهد بود اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکنند متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق با ماده ۳۶۲ آن را به فروش برساند.

همان طور که ملاحظه می‌گردد مقررره مندرج در ماده ۳۸۴ قانون تجارت مشابه بازفروشی کالا است ولی بهر حال فقط در مورد متصدی حمل و نقل است نه بایع، علاوه بر این چنین مقررره ای فقط در مشمول تجار و قانون تجارت است و مشمول غیر امور تجاری نمی‌شود.

نتیجه:

همان طور که ملاحظه می‌گردد سازمانها و نهادهای مشابه در حقوق ما با نهاد بازرگانی در کنوانسیون وجود داشته کافی است قانون گذار با وضع مقررات جدید این حق را در حقوق ایران به صورت دقیق شناسایی نماید.

چونکه هم اکنون وقتی بیع منعقد می‌شود مبیع از مالکیت فروشنده خارج گردیده و فروش مجدد آن بدون انحلال عقد موجب فروش مال غیر شده و فروشنده نه تنها ممکن است مرتکب جرم گردیده بلکه متحمل هزینه‌های گزاف و خسارات غیرقابل جبران گردد. البته همان طور که در این مقاله ذکر شد هر چند مواردی که براساس مقررات کنوانسیون امکان بازرگانی بدون انحلال وجود داشته و در مقررات ما چنین امری به صورت شفاف ذکر نشده بلکه برعکس برای بازرگانی ابتدا عقد باید منحل گردد سپس بازرگانی و یا امکان انتقال آن خواهد بود با این حال می‌توان گفت همزمان با فروش مبیع به دیگری انحلال نیز محقق است یعنی وقتی با بیع مبیع را بازرگانی می‌کند در واقع به طور ضمنی ابتدا عقد اول را فسخ نموده سپس بازرگانی کرده است. ولی همان طور که گفته شد برای رفع هر گونه ابهامی لازم است قانون گذار اصلاحات لازم را براساس مقررات کنوانسیون انجام دهد.

واقعیت این است که وضع چنین مقرراتی موجب تسهیل و گسترش معاملات شده و فروشندگان نسبت به دریافت و عدم دریافت ثمن معامله هیچ دغدغه ای نخواهد داشت.

منابع

۱. اصغری، فخرالدین، زارعی، رضا (۱۳۸۹)، حق بازرگانی کالا (مطالعه تطبیقی)، مجله پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۷،
۲. حسینی عاملی، سید جواد، (۱۴۱۹) مفتاح الکرامه، جلد دوم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم
۳. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۴)، مصباح الفقاهه، جلد هفتم، دارالهادی، بیروت
۴. صفایی، سید حسین (۱۳۹۴)، حقوق مدنی تطبیقی، نشر میزان، تهران
۵. صفایی، سید حسین (۱۳۹۰)، کاظمی، محمد، عادل، محمود، حقوق بیع بین المللی، انتشارات دانشگاه تهران،
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۸) قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، انتشارات شرکت سهامی، تهران

۸. کرکی، عاملی (۱۴۱۴)، جامع المقاصد، نشر آل البيت ع، قم
۹. محسنی، حسن (۱۳۹۰)، بازفروشی مبيع در کنوانسیون بيع بين المللی کالا، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی تربیت مدرس، دوره ۱۵، شماره ۱، تهران
۱۰. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۴) قواعد فقه، نشر علوم اسلامی، تهران
۱۱. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۷)، عوائدالایام، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، قم
12. Honnold, John O. (1999), Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, U.S., Third edition
13. Schlechtriem, Peter (1998), Commentary on the UN Convention on 193117the International Sale of Goods, New York: Oxford University Press, First edition
14. UNITED NATIONS COMMISSION ON INTERNATIONAL TRADE LAW UNCITRAL secretariat, Vienna International Centre, P.O. Box 500, 1400 Vienna, Austria, Internet: www.uncitral.org